



## حقوق و مسئولیت‌های زنان در اساسی‌ترین عوامل درون خانوادگی استحکام خانواده

کوثر خسروی

کارشناسی ارشد مطالعات زنان (گرایش زن و خانواده) ، دانشگاه الزهراء

akhosravi906@gmail.com

### چکیده

در کلام معصوم (ع) ازدواج به عنوان محبوب‌ترین بنیان نزد پروردگار معرفی شده است و در پرتو تشکیل خانواده مورد نظر اسلام اهداف والایی قرار دارد که جز در یک کانون گرم و با ثبات محقق نمی‌گردد. خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مؤثرترین واحد هر جامعه و پیوند دهنده فرد و اجتماع، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جامعه عهده‌دار است. استحکام و رشد خانواده، رشد و تعالی جامعه را نوید می‌دهد. به نظر می‌رسد با توجه به تحولات سریع در جامعه و بالطبع در شکل و ساختار خانواده و بالارفتن سن ازدواج و افزایش آمار طلاق، توجه به موضوع تحکیم خانواده و عوامل مؤثر در آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و شاید تا اندازه‌ای بتواند از آسیب‌های روزافزون این تحولات پیشگیری نماید. ریشه بسیاری از اختلافات زوجین در عدم آگاهی و شناخت آن‌ها نسبت به نظام جامعی است که در چارچوب آن پیوند ازدواج بسته‌اند و در بسیاری موارد زوجین از حقوق و مسئولیت‌هایی که نظام حقوقی اسلام برای اعضای خانواده، خصوصاً زن و مرد به عنوان اعضای اصلی و سازنده خانواده، تعیین نموده آگاهی ندارند و اغلب توقعات یکطرفه و انتظار رسیدن به حششان بدون ادای مسئولیت متقابلشان، منجر به مشاجرات و کدورت‌ها می‌گردد. هدف از این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و با رجوع به اسناد صورت گرفته است، تبیین حقوق و مسئولیت‌های زنان در دو عامل درون خانوادگی مؤثر بر تحکیم خانواده یعنی سرپرستی خانواده و حسن معاشرت، با استناد به آیات و روایاتی که در این خصوص وارد شده است، می‌باشد. نهایتاً با این نتیجه‌گیری که نگاه جامع به نظام حقوقی اسلام، مانع از قضاوت‌ها و سوگیری‌های نادرست مانند زن ستیز بودن اسلام می‌گردد و اگر به این نظام و حقوق و مسئولیت‌ها در کنار یکدیگر و با درک مصالحی که در وضع آن‌ها برای فرد و جامعه در نظر گرفته شده است، بنگریم، این چنین سوءتعبیرهایی از بین می‌رود و به جایگاه و نقش والای زن در نظام اسلامی پی خواهیم برد.

### واژگان کلیدی

حق، مسئولیت، زنان، تحکیم و تعالی خانواده، حسن معاشرت، ریاست خانواده



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## مقدمه

اولین و بنیادی‌ترین نهاد هر اجتماعی، نهاد مقدس خانواده است که رستگاری و گمراهی جامعه در گرو سلامت و هدایت این نهاد بنیادین است و همین تأثیرگذاری مستقیم خانواده در سرنوشت جامعه، اهمیت نهاد خانواده و تلاش برای ثبات و تحکیم و تعالی خانواده را روشن می‌سازد. بالندگی علمی، هنری، فرهنگی، اقتصادی، ... جوامع در پرتو خانواده‌های مستحکم و باثبات و امن رقم می‌خورد. در صورت تضعیف نهاد خانواده در جامعه، علاوه بر هویت انسان‌ها، تمام سعی و کوشش‌های فردی و اجتماعی در راستای رسیدن به جامعه ایده‌آل یا همان مدینه فاضله بی‌نتیجه خواهد بود.

در آیه ۲۱ سوره نساء از ازدواج با عنوان میثاق غلیظ یاد شده است که می‌توان از همین مفهوم به اهمیت ازدواج در اسلام و توجه ویژه قرآن به ازدواج نسبت به دیگر ارتباطات انسانی و اجتماعی و قراردادهای، پی‌برد. نیاز به ازدواج و همسر، از نیازهای فطری و غریزی هر انسانی است و به آموزش و تحریک و تشویق انسان‌ها نیازی ندارد اما برای داشتن یک خانواده سالم با روابطی صحیح و بدور از اختلال و هرگونه بدکارکردی و برای مستحکم نمودن خانواده حاصل از ازدواج و ایجاد ثبات و آرامش در خانواده، نیازمند آموزش و مدیریت روابط و توجه بزرگان و سیاست‌گذاران جامعه به این نهاد اثرگذار هستیم.

اساساً آگاهی اعضای خانواده خصوصاً زن و شوهر نسبت به حقوق و مسئولیت‌هایشان در زندگی مشترک، از مهم‌ترین عوامل در تحکیم و ایجاد ثبات در خانواده است. آگاهی افراد به حقوقشان مانع ایجاد توقعات نابجا و در نتیجه ناسازگاری می‌شود و همینطور وقتی افراد به وظایف و مسئولیت‌هایشان آگاهی داشته باشند و متعهد به ادای وظایفشان باشند، از بروز اختلاف و ناراحتی در بین اعضا جلوگیری می‌گردد.

بطور کلی تبیین حقوق و مسئولیت‌های هر یک از اعضای خانواده و روشن شدن این موضوع که هر عضوی در قبال حقوق و امتیازاتی که برای او در نظر گرفته شده است، چه وظایف و مسئولیت‌هایی را بر دوش دارد، موقعیت و جایگاه اعضاء را در نهاد خانواده که کوچکترین و بنیادی‌ترین واحد جامعه است مشخص می‌کند و به فراخور این حقوق و مسئولیت‌ها نقش هر یک در نظام خانواده تثبیت می‌گردد. بطور مثال خانواده نیز مانند هر جمع دیگری نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی است و یکی از مواردی که اهمیت تشریح حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد مسلمان را در خانواده نشان می‌دهد، همین مسئله تعیین نقش مدیر در خانواده و روشن نمودن حدود اختیارات و وظایف مدیر خانواده در انواع و اقسام خانواده و نحوه ارتباط او با دیگر اعضاست.

زن و مرد مسلمان که براساس چارچوب و قواعد اسلامی پیوند ازدواج می‌بندند، حقوق و مسئولیت‌هایشان در نقش همسری، مادری، پدري در نظام حقوقی اسلام تعریف شده است. مهم‌ترین منبع حقوق در نظام جامع دین اسلام، قرآن مجید است که در آیاتی به حقوق و مسئولیت‌ها در خانواده اشاره نموده است. منبع دیگر حقوق روایات است و آن دسته روایات معتبر که همسو با آیات و در تشریح و بسط آیاتی با موضوع خانواده و حقوق و مسئولیت‌های اعضا در خانواده بدست آمده است، می‌توانند معیار زن و مرد مسلمان در شناخت و عمل به حقوق و مسئولیت‌هایشان در زندگی مشترک باشند.



از منظر جامعه‌شناسی و تاریخ، اولین نهاد بشری و ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین جامعه، خانواده می‌باشد. این نهاد همیشه توجه متفکرین و پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ چون خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری براساس نوع رابطه با فرزندان، بیشترین تأثیر را اولاً بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان دارد؛ ثانیاً به‌طور غیرمستقیم جامعه را متأثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند. لذا توجه به سلامت و چگونگی فضای درون خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود (منادی، ۱۳۸۵).

در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه‌اندیشیده‌اند، بر خانواده و اهمیتی حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۵).

خانواده نهادی بسیار اثرگذار و منتقل کننده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است (یزدی، ۱۳۸۶).

خانواده محفلی است روحانی که اگر همه اعضا موظف به وظایف خود و متعهد به رعایت حقوق دیگران باشند، به تجلی‌گاه اراده حق، مظهر یگانگی و توحید عملی تبدیل خواهد شد (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

از نظر روان‌شناسی نقش خانواده غیرقابل انکار است؛ زیرا از ده حادثه اول فشار روانی شش حادثه آن بحران خانواده است؛ بحران‌هایی مانند مرگ همسر، جدایی و طلاق جدال خانوادگی، مزاحمت منسوبان نزدیک و ... (حسینی، ۱۳۸۴).

خانواده، نظامی است که کلیه اعضای آن دارای حقوق و اختیارات معینی هستند و در عین حال، خانواده مناسب‌ترین جایگاه برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان می‌باشد و می‌تواند بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی افراد فراهم آورد. البته این امر زمانی است که روابط میان زوجین در فضایی آرام، عاطفی، منطقی و مستدل سازمان یافته باشد. هر چند در این مسیر ممکن است مشکلاتی برخاسته از عوامل فردی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی وجود داشته باشد که چالش‌هایی را در روابط متقابل زوجین ایجاد کند و سلامت و کیان خانواده را به خطر افکند (نوری، ۱۳۸۹).

محور تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده براساس تفاوت‌های تکوینی آنها با یکدیگر است که خداوند در متن خلقت هر یک از آنها قرار داده است و این تفاوت‌ها در حوزه تفاوت‌های زیستی و روحی \_ روانی قابل بررسی است. خداوند بر اساس این تفاوت‌ها، در وجود زن و مرد استعدادها، علایق و نگرش‌های خاص همان جنس را قرار داده است؛ همین تفاوت در تکوین و طبیعت آنهاست که زیربنای تفاوت‌های تشریحی و تقسیم وظایف را تشکیل می‌دهد. بی‌شک این تقسیم وظایف از سوی کسی صورت می‌گیرد که نظام هستی را بر پایه حق محوری و عدالت آفریده و چون به تمام زوایای وجودی زن و مرد احاطه کامل دارد، مسئولیت‌ها و وظایفی متناسب با توان و ظرفیت آنها بر عهده‌شان قرار داده و هماهنگ با آن وظایف، ابزار کار لازم را نیز به آنها داده است تا با انجام درست این وظایف در زندگی مشترک، زمینه تفاهم و همدلی هر چه بیشتر آنها فراهم شود. بنابراین، تفاوت در وظایف زن و مرد، ریشه در خلقت متفاوت آنان دارد و این تفاوت‌ها بر اساس عدل و حکمت خداوند تفسیر می‌شود. توجه به این تفاوت‌ها، انگیزه بیشتری در وجود زن و مرد برای انجام بهتر وظیفه‌شان ایجاد می‌کند (جوکار، ۱۳۹۰).

مقدمه واجب بر مکلف واجب است. پس اگر رعایت حقوق همسر، حسن معاشرت، تمکین زن، تربیت فرزند و ...، از تکالیف همسران است، مقدمه آن، که آشنایی دقیق وظایف است، نیز به طور قطع واجب می‌باشد. بنابراین، بر جامعه و حکومت اسلامی نیز فراهم کردن زمینه این آگاهی واجب می‌باشد (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).



## مفاهیم

### تعریف حق و تکلیف

اصل حقّ مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است، مثل مطابقت پایه درب در حالی که در پاشنه خود با استواری و درستی می‌چرخد و می‌گردد ( راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ ).

و تعریف اصطلاحی حق در مکاسب شیخ مرتضی انصاری این‌طور آمده است :

حق عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحت برای خود به دست آورد ( انصاری، ۱۴۱۱ ه.ق ).

تکلیف در معنای لغوی به معنای « مشقت و سختی است » ( محمدبن مکرّم ابن منظور، ۱۴۰۸ ه.ق ).

تکلیف در اصطلاح به معنای « موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است » ( جوادی آملی، ۱۳۸۴ )

### ◀ رابطه حق و تکلیف

میان حق و تکلیف رابطه تنگاتنگی است، وقتی حق در مقابل تکلیف می‌آید، به معنای « امتیاز بر » یا « حق بر » کسی یا چیزی است. در اینجا تلازم حق و تکلیف مورد لحاظ است؛ یعنی وقتی از « حق » سخن به میان می‌آید در مقابل آن « تکلیفی » مطرح است که باید به آن حق گردن نهد ( صرامی، ۱۳۸۵ ).

توازن حق و تکلیف، برای خود فرد نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است. بنابراین، هیچ حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر در مقابل آن حق، وظیفه‌ای مقرر است. بر این اساس، رابطه حق و تکلیف رابطه توازن و تقارن است و آنها موازن و قرین یکدیگرند. هنگام صحبت از حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، چیزی که حق زن است، همان وظیفه‌ای است که به عهده شوهر گذاشته شده و وظیفه زن همان اموری است که حق مرد معرفی گردیده است ( جوکار، ۱۳۹۰ ).

### تعریف خانواده

خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند ( قنادان، ۱۳۷۵ ).

خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است ( ساروخانی، ۱۳۷۰ ).

خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است و براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسنادیافته به چشم می‌خورد. خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است؛ هر چند همواره چنین نیست و همین نیز وجه تمایز مفاهیم خانواده



و خانوار است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی را بر عهده دارد. بدین قرار خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی؛ خانواده نهادی است اجتماعی و از طرف دیگر از عوامل مهم مؤثر بر جامعه است (ساروخانی، ۱۳۸۵).

سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند (نجاریان، ۱۳۷۵).

### تبیین اهمیت تعالی و استحکام خانواده از منظر قرآن

همانطور که در آیه ۸۹ سوره نحل آمده است « وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ »؛ و ما بر تو قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت همه چیز را روشن کند و برای مسلمانان هدایت و رحمت و بشارت باشد» قرآن مهم‌ترین هادی و راهنمای بشر در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد و برای رسانیدن بشر به کمال و رشدی که شایسته مقام انسانی‌اش است، بهترین و استاندارترین راهبردها را ارائه می‌دهد. آیات و روایات زیادی به موضوع خانواده و حقوق و مسئولیت‌های اعضای خانواده در مقابل یکدیگر پرداخته‌اند که به کار بستن این رهنمودهای قرآنی می‌توانند در رسیدن به خانواده سالم و مستحکم و پاسداری از قداست خانواده راهگشا باشند و ایجاد تعادل در روابط اعضا نمایند و از بروز اختلافات و از اضمحلال خانواده پیشگیری نمایند.

برای نمونه، آیه ۷۲ سوره نحل، اساس شکل‌گیری خانواده را به خداوند نسبت داده و اهمیت خانواده و تعالی آن در پیشگاه پروردگار عالم را به خوبی روشن می‌سازد، خداوند در این آیه می‌فرماید: « وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ؛ خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسرانتان فرزندان و نوادگان پدید آورد و چیزهای پاکیزه روزی‌تان کرد.»

در این آیه از قرآن کریم صراحتاً تأسیس بنیان خانواده به خداوند نسبت داده شده است و تأکید می‌گردد که خداوند به طهارت، تعالی و پایداری بنیان خانواده، توجه ویژه‌ای دارد.

از این آیه سه نکته پیرامون موضوع برداشت می‌شود: ۱\_ خداوند زوجیت و منشأ آن را به خود نسبت می‌دهد. ۲\_ خداوند به دنبال زوجیت و تشکیل خانواده، به یکی از اهداف و ثمرات آن که تولید فرزند و بقای نسل است اشاره کرده و آن را نیز به خود نسبت می‌دهد ۳\_ حمایت از خانواده و بقای آن را در قالب روزی دادن از پاک‌ها که شامل رزق مادی و معنوی می‌شود را به خود نسبت می‌دهد و همه این امور را ارج می‌گذارد و از آنها به عنوان نعمت یاد می‌کند. خداوند در سراسر قرآن برای حفظ بنای خانواده، احکام و اصولی را وضع نموده است و بر رعایت دقیق آن اصرار دارد. احکامی چون وجوب حجاب، حرمت نگاه به نامحرم، رعایت دقیق روابط میان زن و مرد، حکم استیذان، نهی از قذف، حرمت زنا و احکامی پیرامون نشوز، شقاق، حسن معاشرت و واجباتی در روابط فرزندان و...، همه از لوازم حفظ یک خانواده قرآنی است (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).



قرآن به خانواده به چشم محیطی برای هم‌زیستی صرف در یک خانه نمی‌نگرد. خانواده ابزاری برای رسیدن فرد به حیات طیبه و رسیدن جامعه به مدینه فاضله است و اعضای آن باید بنابر مسئولیت‌هایشان و حقوقی که در این محیط از آن برخوردارند، در رشد بسوی کمال انسانی خود و دیگر اعضای که در قبال آن‌ها مسئولند تلاش نمایند و با از خودگذشتگی و ایثار یکی از اعضا در قبال دیگران و بی‌مسئولیتی و خودخواهی اعضای دیگر در قبال مسئولیت‌هایشان، رشد و تعالی که در پرتو کارکردهای خانواده انتظار می‌رود، میسر نمی‌گردد. خانواده مورد نظر قرآن خانواده‌ای است که با تعیین حدود و مرزها از طریق رعایت حقوق و ادای مسئولیت‌ها در جهت هدف اصلی‌اش که پرورش و رشد و تعالی انسان کامل است، حرکت می‌نماید.

زیربنای ساختار کلی خانواده آرمانی قرآن، دو رکن اساسی اخلاق و حقوق است که با آشنایی همه جانبه اعضا و حاکمیت این دو رکن، استواری و پویایی این بنا تضمین می‌شود. چرا که رکن حقوقی، ضامن برپایی و استواری اصل خانواده و مانع از فروپاشی آن است و رکن اخلاقی ضامن رشد و بالندگی و تأمین اهداف خانواده می‌باشد (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

### کارکردهای خانواده

نهاد خانواده و کارکردهای آن از دیرباز از سوی ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد تأثیرگذار در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و به آن توجه ویژه‌ای شده است. در اسلام خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، به عنوان خلیفه و جانشین خداوند، گام برمی‌دارد. از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸).

ملتهایی که در آستانه فروپاشی خانواده قرار گرفته‌اند، درصدد حفظ این نهاد مهم برآمده و با خانواده‌های جایگزین نظیر خانواده‌های تک نفره، خانواده‌های هم جنس (زندگی هم جنس بازان) و شبیه به این، با این بحران جدی مقابله می‌کنند؛ غافل از آنکه خانواده از نظر جامعه‌شناختی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند. طبق نظریه‌های قدیمی که هنوز هم اعتبار دارند، خانواده سه وظیفه عمده دارد: یکی مسائل جنسی است که در خانواده باید حل شود؛ دیگر فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش کودکان است که از وظایف مهم خانواده به‌شمار می‌آید. از نگاه ادیان به خصوص اسلام، کارکردهای متعالی‌تری از خانواده انتظار می‌رود (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

کارکردهای خانواده از منظر قرآن کریم را بدین ترتیب می‌توان برشمرد:

#### ۱\_ کسب آرامش

اسلام با درک واقعیت‌های زندگی انسان و توجه به نیازهای روانی او، بر جریان کارکرد عاطفه و همراهی در خانواده تأکید کرده است. قرآن کریم رابطه زن و شوهری و تشکیل خانواده را مایه سکون و آرامش زن و مرد دانسته و آن را نشان‌های از عظمت و قدرت خداوند برمی‌شمرد. (جهانی، ۱۳۹۱).

بنا به گفته قرآن کریم، همسران پاکدل مایه آرامش یکدیگرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).



اسلام با تشریح ازدواج و تأمین آرامش و قرار، بزرگترین خواسته بشر را به او هدیه داده است . با تأمین آرامش و سکون کلید سلامت روح و روان در اختیار آدمی قرار می‌گیرد و مسیر تکامل و تعالی به روی وی باز می‌شود . ( جهانی ، ۱۳۹۱ ) .

آیه ۲۱ سوره روم ، هدف اصلی ازدواج را رحمت و دوستی و تسکین زوجین معرفی می‌گردد ، در واقع یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده که همانا رسیدن به آرامش است در این آیه تبیین شده است : *وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً* ؛ یکی از نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد و در میان شما دوستی و رحمت قرار داده است .

آیه ۲۱ سوره روم بیانگر پیوند محبت دو همسر به صورت فطری می‌باشد ( مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ) .

گرچه در سایه این آرامش مواهب دیگری نصیب انسان می‌شود و اهداف نسبی دیگری حاصل می‌گردد، اما خلقت انسان به نوعی است که اگر همه مواهب اعم از فرزند، تأمین نیازهای مادی و ... را در زوجیت بیابد ، ولی سکون و آرامش نداشته باشد، انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده نخواهد داشت و خود را کامیاب نمی‌بیند . در محیط خانواده، اگر فقط روابط جسمی و واکنش‌های فیزیکی مطرح باشد و بس، روح‌ها سرگردان می‌مانند و در تمام عمر در حسرت ناکامی می‌سوزند و می‌سازند و بی‌تردید، هرگاه روح‌ها ناکام و حسرت زده باشند، جسم‌ها نیز پریشان و ناتوان‌اند ( بهشتی ، ۱۳۷۷ ) .

همچنین در آیه ۱۸۷ سوره بقره زن و شوهر به عنوان لباس برای همدیگر معرفی شده‌اند که این تعبیر اشاره دیگری به کارکردهای خانواده در قرآن کریم است.

به ارتباط معنوی زن و مرد و نزدیکی آنها به یکدیگر و مساوات آنها در این زمینه اشاره می‌کند . این آیه بیان می‌دارد که : *« هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ »* ؛ زنان لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید « در نتیجه زن و مرد همدیگر را از انحرافات دور می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند، وسیله راحتی و آرامش یکدیگرند و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شوند ( مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ) .

لباس یعنی مایه‌ی آرامش . شب نیز به لباس تشبیه شده است و همانگونه که شب آرامش بخش است، روابط زن و شوهر نیز آرامش بخش می‌باشد ( طبرسی، مجمع البیان ، ج ۱ ) .

## ۲\_ تولید نسل

*وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا* ؛ خداوند شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و شما را جفت جفت گردانید ( فاطر ، ۱۱ ) .  
قرآن با اینگونه تعبیرات در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره می‌کند و منشأ جفت‌گرایی را طبیعت بشر می‌داند . خداوند زن و مرد را مکمل هم قرار داده است؛ بنابراین از منظر قرآن روی آوردن به تشکیل خانواده، ریشه در طبیعت بشر دارد و نه تنها برخلاف نظر برخی از نظریه‌پردازان، منشأ این تمایل، حس استخدام طلبی بشر نیست، بلکه ناشی از عواطفی بسیار قوی است که انسان را از خودخواهی به دگرخواهی می‌رساند و همین امر باعث استحکام خانواده می‌گردد ( حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۶ ) .



قرآن مجید در آیه یک از سوره نساء نیز به کارکرد تولید نسل در خانواده اشاره می‌کند: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً*؛ ای مردم بترسید از عصیان پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت.

در آیه ۲۲۳ سوره بقره، خداوند ازدواج را وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر بیان می‌کند و به ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی و اینکه انسان برای ادامه نوع خود به وجود زن نیازمند می‌باشد، اشاره می‌نماید: *نَسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲).

حاصل کلام آیه ۲۲۳ سوره بقره این است که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار به انسان کشتکار است. همان‌طور که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می‌شود و دیگر غذائی برای حفظ حیات و ابقای آن نمی‌ماند همچنین اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسلش قطع می‌شود. و مراد از عبارت «*وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ*» واداشتن انسان‌ها به ازدواج و تناسل است تا نوع بشر به منظور بقای دین در زمین باقی بماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲).

مطابق آیه ۱۱ سوره شوری نیز ازدواج یکی از نشانه‌های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت اوست که برای انسان‌ها، همسرانی از جنس خودشان، آفریده که از یک سو مایه آرامش روح و جان هستند و از سوی دیگر مایه بقاء نسل و تکثیر مثل و تداوم وجود او: *فَأَطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ النِّعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لِيَسْ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰).

### ۳\_ اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیری

خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

جامعه‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های مورد پذیرش جامعه خود را فرا می‌گیرند. در میان همه ادیان، دین مبین اسلام تأکید بیشتری بر فرآیند جامعه‌پذیری و نقش آن در شکل‌دهی شخصیت انسان دارد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸).

قرآن کریم یکی از روش‌های مؤثر بر اجتماعی کردن و تعلیم و تربیت فرزندان را استفاده از تلاف و مهربانی در بیان ارزش‌ها و هنجارها بیان می‌کند. آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان تأکید می‌کند که مؤثرترین آموزگاران مدرسه یا خانه، پدر و مادر هستند که هر یک به نوبه خود سهم بزرگ و خاصی در این امر مهم خواهند داشت (امیری گروسی، ۱۳۷۴).

در این آیات، لقمان در مقام موعظه کردن، با تلاف و مهربانی سخن می‌گوید و فرزندش را با مهربانی پند می‌دهد و سپس گفته خویش را بر پایه استدلال استوار می‌کند؛ زیرا تندی و پرخاش کردن، نه تنها امکان تأثیر موعظه را از بین می‌برد، بلکه سبب گستاخی و تجرّی می‌گردد (مظاهری، ۱۳۶۴).

از آیات دیگری که می‌توان کارکرد جامعه‌پذیری خانواده را استنباط نمود، می‌توان به آیه ۷۴ سوره فرقان اشاره نمود که می‌فرماید: *وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قَرَةً أَعْيُنٌ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا*؛ آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند که پروردگارا همسران و فرزندان ما را کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردند.





دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



در این آیه یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را توجه خاص آنها به تربیت فرزند و خانواده خویش و احساس مسئولیت آنها می‌داند ( مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ج ۵ ) .

از دیگر نکات تربیتی بسیار مهم در قرآن کریم، نحوه ابراز محبت به فرزندان می‌باشد . خداوند در آیات ۱۱\_۱۴ سوره یوسف نیز به یک نکته مهم تربیتی اشاره می‌فرماید که پدر و مادر باید از محبت‌های کاذب خودداری نموده و زمینه استقلال‌یابی فرزندان را مهیا سازند. همچنین در آیات ۷\_۱۰ همین سوره، بر ابراز محبت پدر و مادر به فرزندان خود؛ البته به صورتی که حسادت دیگر فرزندان را تحریک نکند، تأکید شده است ( مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ج ۹ ) .

#### ۴\_ تنظیم روابط جنسی

دانشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که مسائل جنسی در زناشویی نقش مهمی را بازی می‌کند و داشتن روابط جنسی مطلوب، از ضروریات هر خانواده می‌باشد . با دقت در متون دینی اسلام با طیف وسیعی از آیات و روایات روبرو می‌شویم که به گزینه جنسی انسان‌ها پرداخته‌اند . از سوی دیگر همه آیات و روایاتی که مسلمانان را به ازدواج و تشکیل خانواده دعوت می‌کنند، به نوعی به رفتارهای جنسی انسان‌ها توجه دارند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ؛ ای مردم بترسید از عصیان پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت (نساء ، ۱) » . از این سنخ آیات استخراج می‌شود که گزینه جنسی باعث تداوم نسل است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸) .

#### عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده را به دو دسته برون خانوادگی و درون خانوادگی تقسیم نمود . بطور مثال تأثیرات فرهنگ و محیط و اقتصاد و خانواده‌های دو طرف ، از عوامل برون خانوادگی هستند و مسئله سرپرستی در خانواده ، اخلاق و محبت و عشق از عوامل درون خانوادگی هستند . در این پژوهش به حقوق و مسئولیت‌های زنان از نگاه اسلام در دو عامل درون خانوادگی مؤثر بر تحکیم خانواده یعنی « مسئله سرپرستی خانواده » و « حسن معاشرت » می‌پردازیم زیرا نوع رویکرد اسلام به این دو مقوله چالش‌هایی را همراه داشته است و از طرف صاحبان تفکرات فمینیستی بعضاً مورد هجمه قرار گرفته است .

#### ریاست خانواده ؛ در آمیختگی حق و مسئولیت

خانواده به عنوان یک نهاد کوچک ، مانند یک اجتماع بزرگ با مسائل مختلفی رو به روست ، نیاز به مدیر و رئیسی دارد که در مواجهه با مشکلات به حل اختلافات پرداخته و امور خانواده را مدیریت کند .

حق و تکلیف در این مسأله چه برای مرد و چه برای زن بسیار درهم آمیخته است و نوع نگاه قرآن و روایات به این موضوع و تفویض ریاست خانواده به مردان ، از جهتی حق مرد نسبت به زن است و مرد را صاحب ولایت و اختیاراتی می‌نماید که بحث مفصلی پیرامون حدود و ثغور آن وجود دارد و همچنین این ریاست مرد بر خانواده از جهتی مسئولیت مرد در برابر زن تعریف می‌گردد . براساس آنچه در خصوص رابطه متقابل حق و تکلیف در آغاز



بیان شد، قاعدتاً ریاست مرد بر خانواده برای زن نیز، هم جزو حقوق است و او را صاحب امتیازات و بهره‌مندی‌هایی می‌نماید و هم برای زن مسئولیت و تکلیفی با عنوان «تمکین» را ایجاد می‌نماید که تعیین حدود ولایت مرد، حدود تمکین زن را به صورت متقابل روشن می‌نماید که البته در تعیین این حدود اختلاف نظرهایی هم وجود دارد.

مسئله ریاست در خانواده از آیه ۳۴ سوره نساء برداشت می‌گردد که خداوند در این آیه به مردان نسبت به زنان قوامیت اعطاء نموده است و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً؛ مردان بر زنان قیومیت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند، پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام‌گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند، همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده، و زنانی را که بی‌مهره دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت در نیامدند، با آنها قهر کنید، و در بستر خود راه ندهید، و اگر این نیز مؤثر نشد بزیندشان اگر به اطاعت در آمدند دیگر برای ادامه زندگیشان بهانه‌جویی نکنید، و به خاطر علوی که خدا به شما داده مغرور نشوید، که دارنده علو و بزرگی خدا است.»

کلمه (قیم) به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است، و کلمه (قوام) و نیز (قیام) مبالغه در همین قیام است، و مراد از جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» آن زیادت‌هایی است که خدای تعالی به مردان داده، به حسب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند، چون زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است، که اساس و سرمایه‌اش رقت و لطافت است، و مراد از جمله «بِمَا أَنْفَقُوا» مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌دهند، و نفقه‌ای است که همواره به آنان می‌پردازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴).

آیه کریمه، با دو عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، تقریباً دو دلیل یا دو مصلحت برای قوامیت مرد ذکر می‌کند. با این وجود، تفسیر این دو عبارت و برداشت‌های دیگر از آیه، زمینه‌تعبیر چندگانه‌ای را فراهم می‌کند که ذیل تفسیر آیه در منابع ذکر شده است. اما نتیجه اختلافات و مباحث در مجموع آن است که صاحب نظران در «قوامیت مردان در خانواده» در دو امر اشتراک نظر دارند: ۱- قوامیت مرد، در حد وظیفه‌مندی او در خانواده است. یعنی ریاست خانواده، در حد فراهم آوردن زمینه حفظ و تعالی آن بر حسب مصلحت خانواده است و به هیچ وجه، تحکم، زورگویی و قلدری را برای او تجویز نمی‌کند. در حقیقت، حاکمیت یا حکومت و ریاست مرد را می‌پذیرد، اما تحکم و دیکتاتوری وی را خیر؛ ۲- گرچه برخی برتری جسمی یا حتی عقلی مردان را ملاک مکلف شدن آنان از جانب خداوند در امر ریاست خانواده می‌دانند، اما هیچ یک این برتری را به معنای برتری حقیقی، یعنی افضلیت ذاتی مرد نزد خداوند و مأجور بودن بیش از زن را قبول ندارند. اگر طبق آیه قرآن، قوامیت در خانواده به مرد سپرده می‌شود، این مسئولیت تفسیری، شخصی یا تاریخی را بر نمی‌تابد تا حاکمیت مرد بر خانواده، طبق سلیقه فردی صورت گیرد؛ بلکه این ریاست صرفاً سمتی است که وظایف بسیار مهمی را بر عهده مرد می‌گذارد (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

براساس این آیه، سرپرستی خانواده به عهده مرد است و طبعاً زن و فرزندان باید سرپرستی وی را بپذیرند. این پذیرش گاهی در حد پذیرش قانونی است که مربوط به حقوق است؛ اما در اینجا پذیرش بالاتری مورد توجه است و آن پذیرش از نظر اخلاقی است؛ همسر و فرزندان باید اخلاقاً خود را به سرپرستی پدر ملتزم بدانند و حرمت وی را حفظ کنند؛ البته شرط موفقیت در این فرماندهی، حکومت بر دل افراد می‌باشد (مظاهری، ۱۳۶۴).



سپردن این وظیفه به مردان، نه به دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه به سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا آن صرفاً بستگی به تقوا و پرهیزگاری دارد. همان طور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه های مختلفی بالاتر باشد؛ اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده، از معاون شایسته تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸).

نخست، ریاست و قوامیت مرد، مسئولیت و وظیفه تلقی می شود. پس از آن موقعیتی برتر و امکانات و اختیاراتی ویژه برای فعلیت بخشیدن به وظایف ناشی از این مسئولیت است. بنابراین، ریاست بر خانواده و قوامیت، تکلیفی برای حمایت، کاراندیشی و حفظ صلاح و مصلحت خانواده و اعضای آن است و از امور مربوط به نظم عمومی می باشد، ولی با در نظر گرفتن اختیارات و امتیازات ناشی از این اقتدار قانونی و روا نبودن ممانعت و مزاحمت دیگران با آن، چهره ای از حق به خود می گیرد و در نهایت، ریاست مرد بر خانواده، به صورت آمیزه ای از حق و تکلیف جلوه گر می شود (مقدادی، ۱۳۸۵).

اگر اسلام به زن دستور تمکین و به مرد اختیار سرپرستی می دهد، تنها بیان وظیفه است و هیچ یک نه معیار فضیلت است، نه موجب نقص نظام آفرینش استعدادهای متقابل و متخالف می طلبد و این تفاوت هم، برای تسخیر دو جانبه و متقابل است، نه تسخیر یک جانبه و این تسخیر نشانه فضیلت نیست، بلکه معیار فضیلت در چیز دیگر است که آن تقرب الی الله است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۳).

علامه جعفری در زمینه ریاست مرد در خانواده می گوید: صورت معقول این مدیریت همان نظام شورایی با سرپرستی و مدیریت اجرایی مرد (است که این حالت برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق العاده با اهمیت است، به شرط آنکه اعضای شورا با کمال تقوی و عدالت و بی طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند (جعفری، ۱۳۷۹، ج ۱۱).

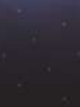
در قانون مدنی به تبعیت از منابع حقوقی اسلام ریاست خانواده به مرد واگذار شده است و در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی آمده است که «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

مسئولیت مدیریت و ریاست بر خانواده به دلیل امری و تکلیفی بودن آن، قابل اسقاط یا واگذاری نیست. بنابراین، زوجین نمی توانند با انعقاد قرارداد مخصوصی یا شرط ضمن عقد، این موقعیت را نادیده انگارند یا از اقتدار قانونی آن بکاهد یا قلمرو آن را محدود سازند (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

### ◀ محدوده ریاست شوهر

حال این سؤال پیش می آید که دامنه این مدیریت تا کجاست؟ آیا در همه امور مربوط به زن، مرد مدیریت دارد یا مدیریت او فقط در امور خاصی است؟ در محدوده قوامیت شوهر بر زن، از آنجا که حاکمیت از آن خداست و اصل اولی عدم سلطه، حاکمیت و ولایت انسانی بر انسان دیگر است، مگر اینکه دلیل معتبری از ناحیه شرع مقدس بر این امر اقامه شود، این محدوده قوامیت و ریاست شوهر بر زن، فقط مربوط به زندگی خانوادگی و همسرداری و محدود به شئون زوجیت است و از آن فراتر نمی رود. بنابراین، ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می شود (مقدادی، ۱۳۸۵).

زن در حفظ مصالح خانواده، رعایت شئون زوجیت و حق تمتع شوهر، وظیفه سنگینی به عهده دارد، در عین حال قوامیت مرد بر او، سبب سلب آزادی و سایر حقوق انسانی و اجتماعی او نیست. قرآن به مرد حق حکومت و ریاست عادلانه داده است نه حق تحکم و زورگویی. از این رو، مرد



موظف به انجام صحیح این مسئولیت به دور از هرگونه اعمال سلیقه و ایجاد فشار بر دیگر اعضای خانواده است و زن نیز موظف است این ریاست را بپذیرد و در جهت مصالح خانواده و تأمین فضایی آرام و توأم با صمیمیت و مودت، با مرد همکاری نماید. (جوکار، ۱۳۹۰).

قوامیت مرد بر همسرش به گونه‌ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن، مالی را به او می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد و کامجویی او از زن است، مطیع و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴).

همچنین ریاست شوهر در عرف هر منطقه‌ای به نسبت فرهنگ آن مکان معنای خاصی دارد.

### حسن معاشرت

انسان فطرتاً نیازمند عشق و عاطفه و محبت در زندگی است و این نیاز جز با معاشرت و تعامل و ارتباط صحیح و سالم با دیگر انسان‌ها برآورده نمی‌شود. همانطور که در بحث کارکردهای خانواده مطرح گردید، از کارکردهای مهم ازدواج که در خانواده تأمین می‌گردد و در آیات قرآن صراحتاً به آن اشاره شده است کسب آرامش و محبت و مودت است که از عوامل مؤثر در رسیدن به این سکونت، حسن معاشرت زوجین با یکدیگر است. حسن معاشرت مصادیق و شاخص‌های فراوانی دارد و بسیاری از آموزه‌ها و توصیه‌های اخلاقی که در آیات و روایات آمده است می‌توانند در دایره حسن معاشرت قرار می‌گیرند. مواردی از قبیل پرهیز از آزار و اذیت همسر و اعمال خشونت و احترام و حفظ کرامت یکدیگر و موضوع وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر می‌توانند از مصادیق حسن معاشرت باشند. رعایت حسن معاشرت از طرف مرد نسبت به زن جزو حقوق زنان است و رعایت حسن معاشرت از طرف زن نسبت به مرد جزو مسئولیت‌های زنان است که در صورت اطاعت از این حق و ادای این وظیفه، زوجین به هدف متعالی که جهان بینی توحیدی در تشکیل خانواده دارد، نائل می‌گردند و در سایه آرامش حاصل از حسن معاشرت، بنیان خانواده مستحکم می‌گردد.

حسن معاشرت در خانواده، در دو محدودهٔ مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود. تعبیر حسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود، نشان دهندهٔ تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در نفقه همهٔ نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در حسن معاشرت همهٔ نیازمندی‌های روحی او (بهشتی، ۱۳۷۷).

آیه ۲۲۸ سوره بقره: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و مانند همان حقوقی که مردان بر زنان دارند، زنان به نحو معروف بر مردان دارند» به احترام متقابل میان زن و مرد و رعایت حقوق متقابل یکدیگر اشاره دارد؛ این آیه بیان می‌دارد؛ به همان اندازه که زنان وظایفی دارند، حقوقی هم برای آن قرار داده شده است و از تساوی این حقوق با آن وظایف، اجرای عدالت در حق آنان عملی می‌گردد و قانون عدالت در حق زن همانند مرد جاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲).

خداوند، رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی در خانواده را با حسن معاشرت معرفی می‌کند و از مرد و زن (مردان در حد تکلیف حقوقی و زنان در حد توصیهٔ اخلاقی)، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).



تفسیر میزان در معنای معروف اینگونه آورده است « هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند » (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴).

واژه « معروف » ۳۸ بار در قرآن آمده که ۱۹ مورد آن توصیه به مردان در رعایت تعادل رفتاری در برقراری روابط انسانی و اخلاقی با همسر است (مهریزی، ۱۳۸۲).

در آیه ۱۹ سوره نساء به مردان امر شده است که حتی اگر نسبت به همسرشان اکره دارند و ناراضی هستند از بروز آن اجتناب نمایند و کانون خانواده را به تشنج نکشاند که خداوند جبار به خاطر این معاشرت به معروف خیر کثیر نصیبشان می‌نماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تُرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَغْضُوهنَّ لِنُدْهَبُوا بَعْضُ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا هَٰنَئِذٍ كَسَانِي كَإِيمَانِ أوردید این برای شما حلال نیست که بزور از شوهر رفتن زن میت جلوگیری کنید، تا بمیرد، و شما ارث او را بخورید، و در مضیقه‌شان بگذارید تا چیزی از مهریه‌ای که از شما گرفته‌اند به شما برگردانند، مگر آنکه عمل شنیع روشنی مرتکب شده باشند، که در این صورت تضییق جایز است، و با زنان بطور شایسته معاشرت کنید، و اگر از آنان بدتان می‌آید باید بدانید که ممکن است شما از چیزی بدتان بیاید که خدا خیر بسیار را در آن نهاده باشد » (نساء، ۱۹).

در این آیه نیز معاشرت به معروف، محور بحث و توصیه به مردان در برخورد با زنان است. آیه بیانگر دو نهی و یک امر به مردان است. نهی از به ارث بردن زنان و گرفتن تمام یا بخشی از مهریه آنان به زور و امر به معاشرت به معروف با زنان است. آیه هم ندا است و هم تنبیه، هم اشارت است و هم شهادت و هم حکم یا ندادست « آیاها » تنبیه است؛ « الذین » اشارت است؛ « آمنوا » شهادت است؛ « لایحل لکم ... کرها » حکم است و بیان حکم آن است که زنان را از راه تلبیس و تدلیس برایشان حکم نکنید و قهر نرانید و آنچه شرع نپسندد، از ایشان نخواهید؛ بلکه با ایشان به معروف زندگی کنید (و عاشروهن بالمعروف، ای بتعلیم الدین و التآدب الاخلاق المسلمین) (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۲).

برخی دیگر از آیاتی که صراحتاً با میزان معروف مردان را به حسن معاشرت با زنان امر می‌نمایند عبارتند از:

« وأتمروا بینکم بمعروفٍ ؛ روابط میان خودتان را با رفتارهای پسندیده و مورد پذیرش عرف، نیکو گردانید » (طلاق، ۶).

« الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فِإِمْسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ؛ طلاق، (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است، (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید، مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را بر پا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است، از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است » (بقره، ۲۲۹).

« فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ؛ [ وقتی که دیگر امید بازگشت عاطفه، عشق و تداوم زندگی نیست ] به دو نحو می‌توانید عمل کنید : امساک به معروف یا جدایی به معروف » (بقره، ۲۳۱).



« و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف ؛ هزینه مادر در امور خوراک و پوشاک بر عهده کسی است که فرزند از اوست؛ در حد معروف و پسندیده » ( بقره، ۲۳۳ ) .

توصیه خداوند به رعایت معاشرت به معروف در مراحل خاص مثل طلاق، حاکی از آن است که در مواقع عادی به طریق اولی مرد باید مراعات معروف را بنماید ( سلطان محمدی ، ۱۳۹۱ ) .

زیباترین نکته در آیات مذکور و اصل قرآنی معروف، آن است که در تمام مراحل زندگی زناشویی از ابتدا تا انتها چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی ، آنچه مورد نظر خداوند است ، حفظ ارزش‌های اخلاقی ، تحت عنوان معروف ( آنچه نفس سالم انسان به طور عموم می‌پسندد ) می‌باشد و خشونت ، اهانت و کم لطفی در خانواده قرآنی پسندیده نیست ؛ حرمت فضای خانه، به حدی است که در هر شرایطی، اهانت، آزار دیگری و هر عمل ناپسند و غیرمعروف دیگری در آن جای ندارد و باید این حرمت به بهترین شکل حفظ شود . نتیجه آنکه در میان کارهایی که انسان انجام می‌دهد، یک سلسله مناطق ممنوعه وجود دارد که ورود به آنها فوق‌العاده خطرناک است . قوانین و احکام الهی این مناطق را مشخص می‌کند و حتی از نزدیک شدن به این مرزها نهی می‌نماید . « تلک حدودالله فلا تقربوها » ( بقره، ۱۸۷ ) ؛ زیرا نزدیک شدن به این مرزها انسان را بر لب پرتگاه قرار می‌دهد؛ روابط حاکم بر خانواده را تهدید می‌کند و با اندکی غفلت، حدودالهی نادیده گرفته می‌شود و ظلم که موجب خشم خداوند است، واقع می‌شود : « و من يتعد حدودالله فاولئك هم الظالمون » ( بقره، ۲۲۹ ) .

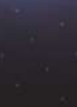
ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز اینگونه بیان می‌کند : زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند (کاتوزیان، ۱۳۸۲) .

روشن است که برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست؛ آنان در ضمن ازدواج، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند . همسری زن و مرد به معنای آن است که سلوک و رفتارشان با هم با خوشرویی و مسالمت و مهربانی باشد و از اعمالی که باعث ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه، نگرانی و اضطراب در دیگری می‌شود، بپرهیزند ( جوکار ، ۱۳۹۰ ) .

نکته مهم این است که تعیین مصادیق سوء معاشرت و یا حسن معاشرت از سوی قانون به دلیل تأثیر عادات، رسوم اجتماعی و... ، به طور دقیق ممکن نیست. بنابراین، نمی‌توان شکل واحد و استاندارد را برای حسن معاشرت از سوی مراجع قانونگذاری تعیین نمود، بلکه تعیین نوع و کیفیت آن را قانون با رجوع اشخاص به عرف معقول و توجه به مقتضیات زمانی و مکانی حل می‌نماید ( میرخانی، ۱۳۸۰ ) .

به اعتقاد حقوقدانان، باید پذیرفت که وظیفه مربوط به معاضدت زوجین، با تکالیف ناظر به حسن معاشرت و سکونت مشترک همبستگی و ارتباط فراوان دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۲) .

لوازم حسن معاشرت را به دقت نمی‌توان معین کرد؛ زیرا عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم، مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد؛ ولی به اجمال می‌توان گفت، تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود، مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره، تحقیر یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد، مانند : ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او و اعتیادهای مضر، از مصادقات‌های سوءمعاشرت در خانواده است . هرچند که تکلیف مربوط به حسن معاشرت، جنبه اخلاقی دارد، از نظر حقوقی نیز بی‌ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا سوءمعاشرت زن استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می‌برد ( کاتوزیان، ۱۳۸۲ ، ج ۱ ) .



از حقوق دیگر زنان در خانواده که بر عهده مردان است و ذیل موضوع حسن معاشرت می توان آن را مطرح کرد ، می توان به آیه ۶۱ سوره نور اشاره نمود : « فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ؛ چون به خانه ای در آمیدید خویشتن را سلام کنید که درودی از جانب خدا و مبارک و پاکیزه است . » .

مقصود از سلام کردن بر خود، سلام بر اهل خانه است و اگر در اینجا نفرمود : بر اهل آن سلام کنید، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند؛ چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است . علاوه بر این، همه مؤمنان و ایمان ایشان را جمع کرده، چون ایمان قوی تر از وهم و هر عامل دیگری برای یگانگی است ( طباطبایی، ۱۳۷۴ ، ج ۱۵ ) .

خداوند می فرماید : « بر اهل خانه سلام کنید» ؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار است، عالی ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که با تحیت و سلام با یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد . این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود، به طور قطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد . پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسان هاست ( سلطان محمدی ، ۱۳۹۱ ) .

### ◀ حسن معاشرت در روایات

روایات و احادیثی بسیاری نیز در باب توصیه های اخلاقی به زنان و مردان وجود دارد که می توان آنها را جزو حقوق و مسئولیت های همسران در قبال یکدیگر و در راستای حسن معاشرت منجر به تحکیم خانواده جای داد .

از منظر پیشوایان دین حفظ احترام و شخصیت یکدیگر باعث صمیمی تر شدن و تحکیم روابط زوجین و در نتیجه، حفظ استحکام خانواده خواهد بود و بر فرزندان تأثیر مثبت مستقیم دارد؛ به آنها می آموزد که به همگان احترام بگذارند و از توهین و تحقیر دیگران بپرهیزند ( جوکار ، ۱۳۹۰ ) . در این بخش به دو دسته از روایات اشاره ای گذرا می نماییم ، دسته اول روایاتی که حق زن و مسئولیت مرد را در حسن معاشرت متذکر می شوند ، دسته دوم روایاتی که مسئولیت زن و حق مرد در حسن معاشرت را بیان می کنند .

### ✓ دسته اول روایات

پیامبر اکرم ( ص ) می فرماید : خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي ؛ بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم (من لا يحضره الفقيه ، ج ۳ ) .

همچنین پیامبر اکرم ( ص ) می فرماید : اَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ اِيْمَانًا اِحْسَانُهُمْ خَلْقًا وَاخِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ ؛ کامل ترین مؤمنان از حیث ایمان ، خوش رفتارترین آن هاست و شایسته ترین شما آن هایی هستند که با زن هایشان خوش رفتارترند ( کلینی، ۱۳۹۰ ، ج ۲ ) .

اکرام زن توسط همسرش، حکایت از کرم و طبع بلند مرد دارد و اهانت به زن نشان دهنده حقارت نفس اوست ( نهج الفصاحه ، حدیث ۱۵۶ ) .

در روایات معصومین اعمال خشونت نسبت به زن توسط مرد شدیداً سرزنش شده است و در همین رابطه امام باقر ( ع ) از پیامبر اکرم ( ص ) نقل می نماید : « أَيضْرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَطْلُ مَعَانِقَهَا ؛ آیا زن را کتک می زنید سپس او را در آغوش می گیرید » ( کافی ، ج ۵ ) . کنایه از اینکه چگونه زن را کتک می زنید و حال آنکه برای رفع نیازهای خود به او نیازمندید و ناچارید به او پناه ببرید .

همچنین در سخن دیگری از پیامبر اکرم ( ص ) نقل شده است : هر کس عیال خود را بدون هیچ حقی بزند، من در قیامت دشمن اویم، زنید زن های خود را؛ هر کس بی حق آنها را بزند از فرمان خدا و رسول سرپیچی کرده است ( ارشاد القلوب ، ج ۱ ) .



ابراز علاقه و محبت زوجین به یکدیگر ضامن تحکیم خانواده و حفظ عفت و پرهیزگاری زوجین می‌باشد. آموزه‌های دینی این نیاز را مورد توجه قرار داده و زوجین را همواره به رعایت این امر مهم توصیه و تشویق می‌نماید (جوکار، ۱۳۹۰).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحْبَبُ لَا يَذُوبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ این گفته مرد به همسرش که دوستت دارم، هرگز از قلب او خارج نمی‌شود (کافی، ج ۵).

رسول خدا (ص) فرمودند: برادرم جبرئیل به من خبر می‌داد و همواره سفارش زنان را می‌کرد، تا آنجا که گمان کردم برای شوهر جایز نیست که به زنش حتی اف بگوید. شما زنان را به عنوان امانت خدایی گرفته‌اید (مستدرک، ج ۲).

همچنین رسول خدا (ص) می‌فرمایند: در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در مسجد من، محبوبتر است (تنبيه الخواطر، ج ۲).

امام سجاد (ع) گذشت از خطای همسر را ادای یکی از حقوق وی می‌داند: اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلها لك سكنا و انسا... و اذا جهلت عفوت عنها؛ حق زن بر تو (شوهر) آن است که بدانی خداوند او را برای تو مایه آرامش و انس قرار داد، ... پس حق او بر تو آن است که هنگامی که از سر جهل و نادانی مرتکب خطایی شد، او را عفو نمایی (حرعاملی، ج ۱۵، ح ۲۰۲۲۶).

این کار در سیره ائمه نیز به خوبی آشکار بود. امام صادق (ع) فرمود: کانت امرأة عند ابي تؤذيه فيغفر لها؛ پدرم، امام باقر همسری داشت که آن حضرت را اذیت می‌کرد. پدرم در مقابل، او را عفو می‌نمود (کلینی، ج ۵).

✓ دسته دوم روایات

در روایات رسیده از بزرگان دین، زنی که احترام شوهر را نگه می‌دارد و او را اذیت نمی‌کند، زن خوشبخت و سعادتمند معرفی گردیده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: سعيدة سعيدة امرأة تكرم زوجها ولا تؤذيه؛ خوشبخت است خوشبخت، زنی که شوهرش را تکریم نماید و او را اذیت نکند (حرعاملی، ج ۱۶).

پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی خوش رفتاری زنان نسبت به همسرانشان و مسئولیتی که زنان در این زمینه دارند فرموده‌اند: جهاد المرأة حسن التبعل؛ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است (شیخ طوسی، امالی).

امام صادق (ع) می‌فرماید: ملعون است ملعون، زنی که شوهرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه‌دار کند و خوشبخت است و سعادتمند زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را آزار نرساند و در هر حال از وی اطاعت کند (حرعاملی، ج ۱۶).

امیرالمؤمنان (ع) بهترین زنان را چنین معرفی نمود: بهترین زنان شما ۵ صفت دارند، سبکبار و کم صداقتند؛ نرم خو و خوش رفتارند؛ مطیع و موافقتند؛ آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد؛ در غیاب شوهرش حافظ (مال و آبروی) اوست. چنین زنی کارگزاری از کارگزاران خداوند است و عامل خداوند نیز ناکام و خسارت دیده نخواهد شد (کلینی، ۱۳۹۰).

زنی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و از حق شوهر بر زن پرسید، حضرت فرمود: اینکه او را اطاعت کند و با او مخالفت ننماید، از خانه او چیزی بدون اجازه صدقه ندهد؛ او را از کام‌گیری منع ننماید هرچند بالای شتر باشد و بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود. اگر بدون اجازه از خانه خارج شود فرشتگان آسمان و فرشتگان غضب و رحمت همگی او را لعنت می‌کنند تا به خانه برگردد (من لایحضر الفقیه، ج ۳).





در روایات دسته اول از ابراز علاقه و عشق مردان به همسرشان به عنوان مسئولیتی در راستای حسن معاشرت یاد شد، روایات دیگری وجود دارد که می توان از آنها این مضمون را برداشت نمود که این ابراز عشق و علاقه وظیفه‌ای کاملاً دوسویه است و متوجه زنان نیز هست و مردان نیز در این مورد محق هستند. چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند: « إذا احببت رجلاً فأخبره بذلك فإنه أثبت للمودة بينكما؛ هر گاه کسی را دوست داشتی، او را بدان آگاه ساز، زیرا این کار دوستی را در میان شما استوارتر می سازد » (حر عاملی، ج ۱۲).

امام صادق (ع) می فرماید: « ایما امراه قالت لزوجهها، ما رأیت قط من وجهک خیراً فقد حبط عملها؛ زنی که به شوهرش بگوید من هرگز از تو خیری ندیدم، تمام عملش نابود می شود (من لایحضره الفقیه، ج ۳).

پیامبر اکرم (ص) قهر را سبب لعنت ملائکه بر فرد دانسته و می فرماید: هنگامی که زنی دور از بستر شوهر شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می کنند (نهج الفصاحه، حدیث ۱۸۴).

از آنجایی که ممکن است در هنگام مشاجره و اختلاف در خانواده، زنان به دلیل احساسی و نیز ارتباط محوروبودنشان، در مقایسه با مردان صفات ناشایستی همچون بدزبانی و قهر کردن را داشته باشند، در این موارد در احادیث، زن‌ها بیشتر مخاطبند. در مقابل، مردها هنگام اختلاف و مشاجره با همسر، به دلیل قدرت بدنی بیشتر و بروز خشم زیادتر، ممکن است به برخورد فیزیکی و کتک زدن متوسل شوند، از این رو در احادیث در این مورد به آنها هشدارهای جدی داده شده است (جوکار، ۱۳۹۰).

در حالی که تعالیم اسلامی به روابط کلامی و غیرکلامی اعضای خانواده توجه ویژه‌ای دارد، همواره توصیه کرده است که گفت‌وگوی اعضای خانواده با هم باید محترمانه و با آهنگی ملایم باشد. از نشانه‌های احترام در گفتگو این است که زن و شوهر یکدیگر را به بهترین نامی که هر یک دوست دارند، خطاب کنند (مصطفوی، ۱۳۸۶).

در پایان بحث حسن معاشرت به سخن استاد شهید مطهری اشاره می‌نماییم که شاید بتوان گفت با تمثیلی زیبا، حق زن و مسئولیت مرد در مسئله معاشرت به معروف که هدف از آن استواری خانواده است را بیان می‌نمایند: « مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد، یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاهان می‌میرند، پس همانطوری که رکن حیات دشت و صحرا باران و بالخصوص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است » (مطهری، ۱۳۷۶).

مصادیق رعایت حسن معاشرت در ریاست مرد بر خانواده

بحث قوامیت مرد بر زن حکمی قرآنی است، وقتی این حکم را می‌خواهیم با سایر مسائل شرعی بسنجیم، می‌بینیم در شریعت همان گونه که گفته شده است «الرجال قوامون علی النساء» همانگونه در قرآن مردان در نوزده مورد دعوت به عشرت [معاشرت] به معروف شده‌اند. پس اصل عشرت به



معروف اصلی مسلم و قرآنی در روابط زن و مرد می‌باشد. عشرت به معروف معنایش این است که مرد به گونه‌ای با زن برخورد نماید که عرف جامعه آن را می‌پسندد، حال که می‌گوییم «الرجال قوامون علی النساء» باید با این اصل سنجیده شود.

## \_ عدالت

اولین وظیفهٔ مرد، برپایی و رعایت اصل معروف در خانواده است؛ یعنی قبل از آنکه مردان مسئولیت قومیت بر زنان را بپذیرند، مأمور به فرمان «قل امر ربی بالقسط» (اعراف، ۲۱) و «کونوا قوامین بالقسط» (نساء، ۳۴) می‌باشند و مهم آن است که برپایی قسط در خانواده توسط مردان، حداقل وظیفه آنان در برقراری روابط در خانواده خواهد بود و باید آن را تا حد متعالی از حسن معاشرت، تعالی بخشند. این مدیریت، فخر معنوی نیست، بلکه یک کار اجرایی است و این چنین نیست که آن کس که رئیس یا مسئول شد و قوام شد، به خدا نزدیک تر باشد؛ آن فقط یک مسئولیت اجرایی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹).

همچنین عدالت یک اصل مسلم قرآنی است. آیا وقتی مرد رئیس خانه شد می‌تواند کارهای خلاف عدالت انجام دهد؟

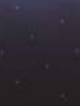
مسئولیت مهم دیگری که مرد در مقام مدیر خانواده نسبت به زن بر عهده دارد و از حقوق زن به شمار می‌آید و عدم رعایت این حق می‌تواند منجر به تزلزل بنیان خانواده گردد، رعایت عدالت و حفظ امنیت روانی زن به عنوان شریک زندگی است. در آیه ۳ سوره نساء خداوند می‌فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ از میان زنان، دو، سه و یا چهار همسری را که می‌پسندید، اختیار کنید؛ ولی اگر هراس آن دارید که از راه عدالت منحرف شوید، تنها یک همسر برگزینید».

در اسلام اصل زندگی خانوادگی روی تک همسری است ولی مسأله تعدد زوجات به حکم ضرورت‌ها و با رعایت شرط عدالت مجاز می‌شود. به تصریح قرآن مرد در صورت داشتن همسران متعدد وظیفه دارد بین آنها عدالت را رعایت کند. این عدالت در جنبه نفقه، مسکن، سرپرستی، کفالت‌های مالی و عاطفی، روابط جسمی و روانی است. اگر وحشتی در میان باشد که نتواند عدالت را رعایت کند، به حکم قرآن باید به همان یک زن قناعت نماید. بنابراین اسلام تعدد زوجات را بنا به مصالحی می‌پذیرد (قائمی، ۱۳۶۴).

## \_ رشد معنوی

ریاست مرد در خانواده، علاوه بر مسئولیت‌های مادی و معنوی بسیار، مسئولیتِ اهتمام نسبت به رشد و تعالی اعضای خانواده و رسیدن به کمالات معنوی را بر عهده مرد می‌گذارد و از این جهت نیز زن صاحب حقی می‌گردد. در صورت ادای این وظیفه توسط مرد و ادا شدن این حق زن و محقق شدن کمالات و رشد معنوی زن و گام برداشتن در مسیر رضای خدا در خانواده، قطعاً پایه‌های خانواده نیز تثبیت می‌شود و تعالی خانواده محقق می‌گردد.

در همین خصوص در تفسیر نمونه در شرح آیه ۷۴ سوره فرقان: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی‌اند که می‌گویند، پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایهٔ روشنی چشمان [ ما ] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان



روزنامه علمی-تخصصی

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان

Conal

SID

Plan 300

CIVILICA

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان

آمده است: « خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عبادالرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، به توجه خاص مؤمنین به خانواده و فرزندان اشاره می‌نماید. بر طبق آیه مبارکه، آنها تنها به ابراز احساسات اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویش دعا می‌کنند. بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌های بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونی‌شان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آنها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند » (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵).

و در پایان آیه که می‌فرماید، « و اجعلنا للمتقين اماما » دعایی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند و نمی‌فرماید « واجعلنی للمتقين اماماً » و امامت و رهبری امت را برای خود و اهل بیت خود می‌خواهد. به طور مسلم، این دعا خودسازی و آمادگی آنان برای الگو شدن در میان امت را می‌طلبد. در حقیقت، یک مؤمن با یک برنامه‌دراز مدت، خود و خانواده خود را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی یعنی جایگاه عبادالرحمن مؤمنین ممتاز دست یابند (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

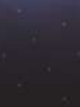
در خصوص مسئولیت مردان به عنوان مدیر خانواده در جهت رشد معنوی خانواده، در آیه ۶ سوره تحریم آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگاهدارید ». این آیه بیانگر این است که حق زن و فرزند تنها هزینه زندگی و مسکن و تغذیه نیست؛ مهمتر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به‌کارگرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵).

این آیه مسئولیت خانواده را بسیار سنگین و حساس بیان می‌کند و همسراری و تربیت فرزند را دارای احکام ویژه‌ای می‌داند. علت حساسیت این موضوع در آیه ۱۵ سوره زمر به خوبی بیان شده است: « إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلْ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ همانا ورشکسته‌ترین افراد کسانی هستند که خود و خانواده خویش را [در اثر سوءتربیت یا کوتاهی در تعلیم و تربیت] در روز قیامت به زیان انداختند. هان! این همان خسران و زیان آشکار است (مظاهری، ۱۳۶۴).

قرآن کریم، درونی کردن ارزش‌های دینی را نیز یکی از وظایف خانواده و پدر و مادر ذکر می‌کند؛ چنانچه تشویق و امر به خواندن نماز را به عنوان یکی از مناسک دینی مهم برعهده سرپرست خانوار نهاده است: « وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَنْسَأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر این عبادت صبر و استقامت داشته باش، ما از تو روزی کسی را نمی‌طلبیم، بلکه روزی دهنده‌ایم و عاقبت محمود و پایان نیک از آن اهل تقواست » (طه، ۱۳۲). دعوت خویشان به انجام فریضه نماز در سیره پیامبران نیز دیده می‌شود. یکی از ویژگی‌های حضرت اسماعیل دعوت زن و فرزند به نماز بود: « وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ » (مریم، ۵۵) و نیز در قرآن مجید می‌خوانیم که حضرت ابراهیم اقامه نماز را برای خود و نسلش تا قیامت از خداوند درخواست کرد: « رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي » (ابراهیم، ۴۰) (انصاریان، ۱۳۷۶).

زن و مرد باید یکدیگر را در رساندن به این حیات طیبه یاری دهند و مانع راه یکدیگر نباشند تا از این طریق علاوه بر انجام تکالیف الهی، در اجر اخروی آن شریک باشند و خانواده را به هدف اصلی آن نزدیک کنند و به انگیزه و شادابی اهل خانه، در داشتن یک خانواده متکامل و الهی، بیفزایند (سلطان محمدی، ۱۳۹۱).

\_ تشاور



در خانواده کم و بیش مسائلی پیش می‌آید که ارتباط زیادی با زن دارد و آن چنان نیست که مرد به تنهایی بتواند تصمیم بگیرد؛ در این موارد اسلام اصل دیگری را مطرح می‌کند و آن اصل «تشاوری» است. مرد و زن در اینگونه مسائل \_ که هر دو در آن شریک هستند و گاهی با زن ارتباط بیشتری دارد تا مرد \_ باید با هم مشورت کنند و سعی کنند آنچه مصلحت است، درک کنند و براساس آن تصمیم بگیرند؛ قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا: اگر پدر و مادر با هم مشورت کردند و هر دو راضی شدند که بچه را از شیر بگیرند، اشکالی ندارد (بقره، ۲۳۳)» پس اصل دومی که می‌بایست در مسائل خانوادگی رعایت بشود، اصل تشاوری است (جهانی، ۱۳۹۱).

اصل صلاحیت و لیاقت برای ریاست، اصلی دینی است. اگر مردی لیاقت و صلاحیت نداشته باشد آیا می‌توان ریاست را بر عهده‌اش قرار داد؟ اینها اصولی است که به صورت پراکنده در فقه آمده است و اگر اصل قوامیت کنار این اصل قرار گیرد و با اینها سنجیده شود \_ صرف نظر از تأویل‌هایی که برخی در اینجا دارند \_ خود به خود این اصل جایگاهی منطقی و معقول پیدا خواهد کرد. ولی اگر بدون توجه به این اصول، گفته شود «الرجال قوامون على النساء» و همین مسئله در قانون بیاید، دیگر هیچ حد و حصری نخواهد داشت و تا قانوندان، مجری قانون و قاضی بخواهند برایش تبصره‌ای پیدا بکنند، همه چیز به نفع مرد و علیه زن تمام خواهد شد. ولی اگر هنگامی که این قانون در حال تدوین است این چند اصل مسلم شرعی و دینی کنار آن قرار بگیرد، خود به خود این آیه معنای مقبول و انسانی خواهد گرفت.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نقش و اهمیت نهاد خانواده و تأثیر آن بر سلامت و توسعه جامعه، امری بدیهی است، تا آنجا که دنیای غرب که در مسیر توسعه و رسیدن به فراتوسعه یافتگی، از توجه به خانواده و نقش آن در سلامت جامعه غافل شده بود و صرفاً بر روی پیشرفت تکنولوژی و صنعت تمرکز نموده بود، مسئله خانواده اکنون به نقطه ضعفش بدل شده است و با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های گوناگون حمایتی در جهت تحکیم خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا از آسیب‌هایی که گریبانشان را گرفته، رهایی یابند. می‌توان نسبت خانواده به اجتماع را، به نسبت سلول به بدن تشبیه نمود که در صورت اختلال در سلول‌ها و نارسایی آن‌ها، بدن با مریضی و فساد مواجه می‌گردد. به همین ترتیب در صورت تضعیف خانواده‌ها به عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه، اجتماع رو به اضمحلال و تباهی می‌رود.

اسلام به عنوان دینی که با ظهورش ختم نبوت اتفاق افتاد و دین کامل گردید، برای تمام شئون زندگی انسان برنامه‌ای مدون و دقیق در نظر دارد. موضوع خانواده از موضوعات بسیار مورد توجه قرآن به عنوان راهنمای مسیر مسلمانان است و مسائلی که در موضوع خانواده در آیات آمده است با جزئیات بیشتر و بصورت کاربردی‌تر در روایات معصومین نیز مورد توجه قرار گرفته است. قرآن و روایات معصومین، حقوق و مسئولیت‌های زوجین را برای تثبیت نقش‌هایشان در خانواده و آنچنان که تأمین‌کننده کارکردهای مورد نظر اسلام از خانواده باشند، تعیین نموده‌اند.

از مهم‌ترین اهدافی که اسلام در پرتو تشکیل خانواده به دنبال آن است، رسیدن به آرامش و سکونت فردی است که در نتیجه رسیدن به این مهم، طی مسیر بندگی در راه رضای خدا برای انسان هموارتر می‌گردد. از دیگر کارکردهای مهم خانواده تعلیم و تربیت انسان در جهت رسیدن به کمال



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



Conal



مطلوب الهی است. بنابراین برای رسیدن به این مقاصد در خانواده، می‌بایست نقش‌های زوجین در خانواده مشخص گردد و حقوق و مسئولیت‌های این نقش‌ها و حدود و ثغور آن تبیین گردد تا خانواده کارآمدی خود را به نمایش بگذارد و روز به روز قوی‌تر و مستحکم‌تر گردد.

مسئله ریاست خانواده اولین موضوعی است که باید در خانواده مشخص گردد و هیچ اجتماعی بدون مدیریت به ثبات و امنیت نخواهد رسید. اساساً اسلام فضیلت انسان‌ها را نسبت به هم جز به میزان تقوا و پرهیزکاری نمی‌داند و سپردن مسئولیت ریاست و مدیریت خانواده به مرد، برتری و فضیلتی به او نخواهد داد. با ریاست مرد بر خانواده، زن صاحب حقوق مادی و معنوی بسیاری می‌گردد از جمله تأمین نفقه و کلیه مایحتاج مادی متعارف، تأمین امنیت جسمی و جانی و روانی، حمایت عاطفی، تأمین عزت و کرامت زن، اهتمام به رشد معنوی زن و... که در صورت کوتاهی و بی‌مسئولیتی مرد در نقش ریاست و با این شرح وظایف، بنیان خانواده در خطر تضعیف قرار می‌گیرد. همچنین با ریاست مرد بر خانواده، زن عهده دار مسئولیتی می‌گردد که تمکین عام و تمام مظاهر آن را شامل می‌گردد. از مظاهر تمکین عام، حسن معاشرت زن است و او در این زمینه مسئول است اما صاحب حق نیز هست و زوجین هر دو مکلف به حسن معاشرت به میزان معروف بایکدیگر شده‌اند که مصادیق گسترده‌ای دارد. از روایات اینگونه برمی‌آید که در موضوع حسن معاشرت هم مانند ریاست خانواده با توجه به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد و ظرفیت‌ها و استعدادهایی که خداوند در نهاد زن و مرد قرار داده است، حقوق و مسئولیت‌ها تا اندازه‌ای متفاوت است. بیشتر روایاتی که در تبیین مسئولیت حسن معاشرت از طرف زن وجود دارد، به تمکین خاص و اجتناب از شکستن غرور و غیرت و اقتدار مرد توسط زن اشاره دارند و در بحث حقی که زن در مسئله حسن معاشرت دارد، بیشتر روایات مرد را امر به ابراز عشق و علاقه صریح و محبت و توجه نموده‌اند.

اغلب آیتی که در بیان حقوق و مسئولیت‌های زنان در مقوله ریاست خانواده و حسن معاشرت به آنها اشاره شد، شبهاتی در خصوص مسئله حقوق زن در اسلام ایجاد کرده و دستمایه انتقادات برخی فمینیست‌های غربگرا بوده است که با جمع بندی از تفاسیر موجود و توجه به هر دو جنبه حق و مسئولیت زن در این موضوعات، بسیاری از انتقادات رد می‌شود. در هر دو مقوله‌ی ریاست خانواده و حسن معاشرت، حق و مسئولیت زنان به گونه‌ای تبیین شده است که عزت و آرامش زن تأمین گردد و هیچ مانعی برای مهم‌ترین و والاترین و بی‌بدیل‌ترین نقشی که زنان در زندگی‌شان ایفا می‌کنند یعنی «مادری»، وجود نداشته باشد.

با تغییر جوامع و کوچک شدن خانواده‌ها و دور شدن از سنت‌ها، نقش حاکمیت و سیاست‌گزاران جامعه در توجه به تحکیم و تعالی خانواده و هموار نمودن مسیر برای دستیابی زنان به حقوقشان در خانواده و ادای مسئولیت‌هایشان، بیش از پیش پررنگ می‌شود. علاوه بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح برای رفع موانع و چالش‌های پیش‌روی زنان، فرهنگ‌سازی در جهت حفظ ارزش نقش همسری و مادری در جامعه و خصوصاً در نگاه زنان امر مهمی است که متولیان فرهنگی می‌بایست از آن غافل نگردند. قطعاً زنی که بازنمایی یک همسر و مادر مسلمان پایبند به مبانی اسلام را در کالاهای فرهنگی اعم از فیلم، موسیقی، کتاب، نقاشی و... مثبت و حاوی ارزشمندی می‌بیند، حقوق و مسئولیت‌هایی که خداوند در جهت حفظ بنیان خانواده برای این نقش قرار داده است، با اطمینان خاطر و بدون کسر شأن و احساس حقارت می‌پذیرد.



مؤسسه پژوهش‌های بین‌المللی

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## مآخذ

- ✓ امیری گروسی، غلامرضا (۱۳۷۴) تعالیم قرآن با ترجمه و تفسیر از ائمه معصومین، تهران، آفرینش.
- ✓ انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱ ه.ق) مکاسب، قم، دارالذخائر.
- ✓ انصاریان، حسین (۱۳۷۶) نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها.
- ✓ بستان، حسین (۱۳۸۸) اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ✓ بهشتی، احمد (۱۳۷۷) خانواده در قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ✓ جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ✓ جهانی، سمانه (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۸۱ \_ ۱۰۰.
- ✓ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹) زن در آینه جمال و جلال، تهران، رجاء.
- ✓ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴) حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء.
- ✓ جوکار، محبوبه (۱۳۹۰) حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده (طهورا)، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۷۹ \_ ۱۱۶.
- ✓ چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۸) رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده، معرفت، ۱۳۹، صص ۳۵ \_ ۵۴.
- ✓ حسین بن محمد، مفردات راغب، تهران، مرتضویه، بیتا.
- ✓ حسینی کوهساری، سید اسحاق (۱۳۸۴) پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش‌های دینی، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۴.
- ✓ حکمت نیا، محمود و همکاران (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ✓ ساروخانی، باقر (۱۳۷۹) جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش.
- ✓ سلطان محمدی، فاطمه (۱۳۹۱) بازخوانی اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی، کتاب مجموعه مقالات اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، تهران، پیام عدالت، صص ۱۱۲۴-۱۰۹۳.
- ✓ صرامی، سیف الله (۱۳۸۵) حق، حکم و تکلیف (گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ.
- ✓ صفوراوی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸) اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده، معرفت اخلاقی، ۱، صص ۹۱ \_ ۱۱۸.
- ✓ طباطبائی، محمّدحسین (۱۳۷۴)؛ تفسیر المیزان، ترجمه: محمّدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ✓ قائمی، علی (۱۳۶۴) تشکیل خانواده در اسلام، تهران، امیری.



مؤتمر بین‌المللی پژوهش‌های نوین

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



- ✓ کاتوزیان ، ناصر ( ۱۳۸۲ ) حقوق مدنی خانواده ، تهران ، بهمن برنا.
- ✓ کاتوزیان ، ناصر ( ۱۳۷۷ ) مقدمه علم حقوق ، شرکت سهامی انتشار.
- ✓ کاتوزیان ، ناصر ( ۱۳۸۲ ) دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده ، تهران ، میزان.
- ✓ مجلسی، محمدباقر ( ۱۳۶۴ ) روضه المتقین ، قم ، بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ✓ محمد بن مکرم ابن منظور (۱۴۰۸هـ ق) لسان العرب ، ج ۵ ، بیروت ، داراحیاء التراث العربی.
- ✓ مصطفوی ، سید جواد ( ۱۳۸۶ ) بهشت خانواده ، ج ۱، قم ، دارالفکر ، بیتا ، چاپ ۲۳.
- ✓ مطهری ، مرتضی ( ۱۳۷۶ ) نظام حقوق زن در اسلام ، تهران ، صدرا.
- ✓ مظاهری ، حسین ( ۱۳۶۴ ) ؛ خانواده در اسلام ، قم ، شفق.
- ✓ مقدادی ، محمدمهدی ( ۱۳۸۵ ) ریاست خانواده ، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر ( ۱۳۶۸ ) تفسیر نمونه ، قم ، دارالکتب الاسلامیه.
- ✓ منادی، مرتضی ( ۱۳۸۵ ) جامعه شناسی خانواده: تحلیل روزمره‌گرگی و فضای درون خانواده ، تهران ، دانژه.
- ✓ مهریزی، مهدی ( ۱۳۸۲ ) شخصیت و حقوق زن در اسلام ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ✓ میبیدی ، رشیدالدین ( ۱۳۵۷ ) تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار ، تهران ، امیرکبیر.
- ✓ میرخانی ، عزت السادات ( ۱۳۸۰ ) رویکردی نوین در روابط خانواده ، تهران ، سفیر صبح ، صص ۲۱۴ \_ ۲۵۱.
- ✓ نجاریان ، فرزانه ، عوامل مؤثر در کارآیی خانواده ، دانشگاه آزاد اسلامی) پایان نامه کارشناسی ارشد ( ۱۳۷۵ ، فصلنامه کتاب زنان ، شماره ۲۶.
- ✓ نوری، اعظم ( ۱۳۸۹ ) عوامل تحکیم و استحکام خانواده ، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده ( طهورا ) ، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ، شماره ۷ ، صص ۱۴۵ \_ ۱۷۸

*Ablavand World New Reserches  
in Psychology, Educational  
Sciences and Social Studies*



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان

دفتر نشر و امور مطبوعاتی  
96170-82201



venue: Conference Center of Shiraz University  
International Division

16 Nov 2017

